به نام خداوند بخشنده مهربان

چهره در هم کشید و روى گردانید، (1) که آن مرد نابینا پیش او آمد؛ (2) و تو چه دانى، شاید او به پاکى گراید، (3) یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد. (4) اما آن کس که خود را بى‌نیاز مى‌پندارد، (5) تو بدو مى‌پردازى؛ (6) با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو [مسؤولیتى‌] نیست. (7) و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد، (8) در حالى که [از خدا] مى‌ترسید، (9) تو از او به دیگران مى‌پردازى. (10) زنهار [چنین مکن‌] این [آیات‌] پندى است. (11) تا هر که خواهد، از آن پند گیرد. (12) در صحیفه‌هایى ارجمند، (13) والا و پاک‌شده، (14) به دست فرشتگانى، (15) ارجمند و نیکوکار. (16) کشته باد انسان، چه ناسپاس است (17) او را از چه چیز آفریده است؟ (18) از نطفه‌اى خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید. (19) سپس راه را بر او آسان گردانید. (20) آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد. (21) سپس چون بخواهد او را برانگیزد. (22) ولى نه! هنوز آنچه را به او دستور داده، به جاى نیاورده است. (23) پس انسان باید به خوراک خود بنگرد، (24) که ما آب را به صورت بارشى فرو ریختیم؛ (25) آنگاه زمین را با شکافتنى [لازم‌] شکافتیم؛ (26) پس در آن، دانه رویانیدیم. (27) و انگور و سبزى، (28) و زیتون و درخت خرما، (29) و باغهاى انبوه، (30) و میوه و چراگاه، (31) [تا وسیله‌] استفاده شما و دامهایتان باشد. (32) پس چون فریاد گوش‌خراش دررسد؛ (33) روزى که آدمى از برادرش، (34) و از مادرش و پدرش. (35) و از همسرش و پسرانش مى‌گریزد، (36) در آن روز، هر کسى از آنان را کارى است که او را به خود مشغول مى‌دارد. (37) در آن روز، چهره‌هایى درخشانند، (38) خندان [و] شادانند. (39) و در آن روز، چهره‌هایى است که بر آنها غبار نشسته، (40) [و] آنها را تاریکى پوشانده است؛ (41) آنان همان کافران بدکارند. (42)